

ادامه از صفحه اول

#### رنج‌های نظام آموزشی ایران

تبدیل‌شدن آموزش و علم به کالا باید به‌هرقیمتی از بین برود. مردمی‌شدن از طریق سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی می‌تواند راه‌حلی اساسی در این زمینه باشد. نوسازی کالبد‌های فیزیکی مدارس باید با نوسازی ابزارهای آموزشی و تجدیدنظر اساسی در آموزش آموّزگاران با استفاده به‌خصوص از تجربه نیروهای بازنشسته به‌عنوان نیروهای کمکی و در صورت امکان داوطلب، انجام شود. در سطح آموزش عالی، نیاز به اصلاحات جدی‌تری وجود دارد. دانشگاه‌های ما از بحران کمبود اعتبار رنج می‌برند. ساختارهای عظیمی که هنوز به صورت نظام‌های بزرگ دانشگاهی، رشته‌های بی‌پایان را با عنوان «جامع» گرد هم آورده‌اند، به یک حباب بزرگ شباهت دارند که دیگر در هیچ کجای دنیا وجود ندارند. برعکس، در دنیا تمرکززدایی دنبال می‌شود تا بزرگ‌ترین دانشگاه‌ها هم مرکب از واحدهای بسیار کوچک استادمحور باشند که روی پروژه‌های مشخصی کار می‌کنند و خود وظیفه جذب و ارتقا را درون واحد خویش برعهده و البته در برابر نهادهای بالادستی مسئولیت دارند. اما حفظ تشکیلات دانشگاهی ایران که متعلق به ابتدای قرن بیستم است، جز ضربه‌زدن به ما نمی‌تواند نتیجه‌ای داشته باشد. بحران اعتبار به کمی‌گرایی و دخالت‌های گسترده نظام‌های غیردانشگاهی در نظام دانشگاهی کشیده شده است. امروز دانشگاهیان به‌ویژه در عرضه علوم انسانی و اجتماعی هرچه‌بیشتر تشویق می‌شوند تا خود را از عرصه اجتماعی و رسانه‌ها و دخالت در آنچه باید بیشترین حضور را داشته باشند، یعنی مسائل اجتماعی، کنار بکشند. برعکس آنها تصور می‌کنند با پناه‌گرفتن پشت گفتمان‌های به‌اصطلاح صدردصد «علمی»، مجلات به‌اصطلاح «علمی-پژوهشی»، کلاس‌های رسمی درس و... جایگاهی در علم ملی و بین‌المللی خواهند داشت که به‌کلی از آن محروم هستند. در سراسر جهان امروز تلاش می‌شود که به‌خصوص این علوم را هرچه‌بیشتر کاربردی کنند و آنها را با همه مردم ارتباط قرار داد. دخالت اندیشمندان و دانشگاهیان از طریق رسانه‌های عمومی و خصوصی و شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی با ابزارهایی مثل گوگل، یوتیوب، آی‌تیون، آپ‌بوک، آکادمیا، لینکدین و هزاران برنامه دیگر هر روز در حال افزایش است و همین امر است که به علمی در سطوح بالا، امکان ابتکار و خلاقیت‌های علمی طراز اول می‌دهد. درحالی‌که ما ظاهراً عادت کرده‌ایم همیشه سرنا را از سر گذاشت بزنیم و مستقیم سراغ آخرین پله پلکان علمی برویم و طبعاً نتیجه‌اش همان باشد که می‌بینیم؛ یعنی کاهش مقبولیت علم دانشگاهی، کنشگران علمی و عناوین و مراتب و ارزش دوره‌ها، به‌ویژه کاربردی و مفیدبودن آنها برای جامعه. امسال نیز مثل هر سال، هزاران نفر در مقطع دکترا پذیرفته شدند، امسال نیز کمیسون‌های دانشگاهی با «فقتی» که فقط خودشان به آن باور دارند، بدون آنکه مقبولیت خودشان را تثبیت و پذیرفته شده باشند، دست به «مقبولیت‌دادن» به دیگران با «سلب مقبولیت» از آنها و دامن‌زدن به سلسله‌مراتب‌های بی‌پایان زدند، اما هیچ‌یک از اینها تا زمانی که جسارت تغییراتی اساسی در ساختار و رویکردها و به‌بحث‌گذاشتن و نقد گسترده نظام دانشگاهی و نظام آموزش‌وپرورش را نداشته باشند، راه به جایی نمی‌برند.

#### به‌یاد آن روزها

آنها تا دیوارهای جنوبی شهر اهواز جلو آمده، آبادان را محاصره کرده و خود را به دیوارهای شهر شوش رسانده و جاده اندیمش – اهواز را زیر آتش گرفته بودند. آبادان برای دشمن یعنی، از لحاظ جغرافیای سیاسی و اقتصادی، به دلایل ایدئولوژیکی و قومیتی اهمیتی استراتژیک داشت. واسط آبادان، امام خمینی (ره) خطاب به نیروهای مسلح فرمودند: «حصر آبادان باید شکسته شود». یافتن راهی برای آزادسازی آبادان در دستور کار فرماندهان نظامی و نیروهای جهادی قرار داشت تا اینکه در بامداد پنجم مهرماه ۱۳۶۰ عملیات مشترک و هماهنگ ارتش و سپاه در جغرافیای وسیع جنوب با نام نامن‌الانمه (ع) و سایر رمز «حصر من‌الله و فتح قریب» به منظور تصرف پل‌های روی کارون و قطع حلقه ارتباطی نیروهای محاصره‌کننده آبادان آغاز شد. به باور بسیاری از فرماندهان عالی‌رتبه جنگ، موفقیت در این عملیات، نقطه عطفی در جنگ و گشودن گره کوری بود که مدت‌ها بر پیکره جبهه‌های جنگ بسته شده بود. در پشت این پیروزی بزرگ اتفاقاتی نیز به محمد از آن به‌عنوان معجزه یاد کرد. به دلیل جنس خاص خاک، زمین‌های تازه خشک شده، مناسب برای جاده‌سازی نبودند. وی از گوش‌ماهی‌ها برای زیرسازی جاده استفاده کرد و جاده را به زمان موعود رساند و لشکر ۷۷ خراسان توانست از معابر سخت و باتلاقی عبور کند. ستاد پشتیبانی و مهندسی جهاد جنگ با تلاش بی‌شائبه و فارغ از هرگونه هیاهو و تبلیغ، توانست مرکزتقلی از نیروهای انسانی مدیر و مؤمن ایجاد کند. آنجا همه به تقوا سفارش می‌شدند، استراتژی این انقلاب ساختن انسانی است که در آن ارزش‌های مکتبی تبلور یافته باشند؛ استراتژی که نمونه مکتب‌باشید و تائیکت آن مبارزه با شیطان‌های و شیطان‌های درونی است. خوشبختانه بعد از تجربه جنگ تحمیلی، رهبری هوشمند و دولتمردان خردورز و مردم‌صلح‌طلب ایران اجازه از دست‌رفتن امنیت، تخریب و آوارگی و تجربیات تلخ را ندادند و با تدبیر، امیدداشتن ایرانی آباد را ایجاد کردند.

## اقتصاد

**بررسی وضعیت ساختمان‌سازی در گف‌ت‌و‌گوی «شرق» با رئیس سازمان نظام مهندسی تهران:**

# ساختمان‌های غیراصولی را با بزرگ می‌فروشند

**هیچ شهری در ایران نداریم که افراد حرفه‌ای آن را ساخته باشند**



عباس کوثری، شرق

**عوامل فعال در صنعت ساختمان باید آموزش‌دیده و کاربلد باشند، مهندس و غیرمهندس ندارد.** بسیاری از انبوه‌سازان مجری ذی‌صلاح هستند، کسانی هم که مجری ذیصلاح نیستند باید تحت لوای کسی که در این کار ماهر است، فعالیت کنند. به دلیل پیشینه و رویه نادرستی که از قبل بوده و از افراد سنتی استفاده می‌کردند این جو به‌وجود آمده که سازنده حرفه‌ای همین‌ها هستند و مهندسان را به اصطلاح اصلا قبول ندارند. اشتباه همین جاست.

گاهی تأثیر زیادی می‌گذارد گاهی هم کلاً امکان نقش‌آفرینی نظام مهندسی را از بین می‌برد. قانون می‌گوید که ساختمان باید توسط افراد حرفه‌ای ساخته شود. منظور از حرفه‌ای، کسانی هستند که آزمون داده‌اند و طی یک پروسه مدت‌دار، صلاحیت اجرای ساختمان را از وزارت راه و شهرسازی گرفته‌اند. این مهم‌ترین بخش قانون نظام مهندسی است چراکه مشکل جدی در کشور ما این است که ساختمان را افراد حرفه‌ای نمی‌سازند. هرکسی با هر پیشینه بی‌ربط و در شرایطی که حتی نمی‌توانند نقشه ساختمان را بخوانند، مدعی ساختمان‌سازی می‌شوند. این بزرگ‌ترین خطا و جفایی است که در حق مردم کشور و سرمایه‌های ملی روا داشته می‌شود.

**ک‌ خب قبل از اینکه نظام مهندسی ایجاد شود نیز این فرایند به همین صورت اجرا می‌شد، یعنی عوامل سنتی باید به‌طورکلی حذف شوند؟**
بحث ما کلیت این ماجراست. عوامل فعال در صنعت ساختمان باید آموزش‌دیده و کاربلد باشند، مهندس و غیرمهندس ندارد. بسیاری از انبوه‌سازان مجری ذی‌صلاح هستند، کسانی هم که مجری ذی‌صلاح نیستند باید تحت لوای کسی که در این کار ماهر است، فعالیت کنند. به دلیل پیشینه و رویه نادرستی که از قبل بوده و از افراد سنتی استفاده می‌کردند این جو به‌وجود آمده که سازنده حرفه‌ای همین‌ها هستند و مهندسان را به اصطلاح اصلا قبول ندارند. اشتباه همین جاست. این مسئله به دلیل عدم همسویی ارگان‌های ذخیل در ساخت‌وساز، به‌خصوص شهرداری‌ها، تشدید می‌شود. نبود این همسویی در طول تاریخ ساختمان‌سازی باعث شده هیچ‌گاه شاهد اجرای ساختمان‌ها، حتی در یک شهر، توسط افراد حرفه‌ای نباشیم. هیچ شهری را نداریم که بتوان گفت ساختمان‌های آن را افراد توانمند و حرفه‌ای ساخته‌اند. این یک مشکل جدی است که وجود دارد. اخیراً هم طبق حکمی که هیات عمومی دیوان عدالت اداری صادر کرده، یک ماده و یک بند از یک ماده قانون مجریان ذی‌صلاح حذف شده اما می‌بینم در حوزه‌های مدیریت شهری از همین مسئله بهره‌برداری شده و شهرداری تهران، این قانون را به‌کلی کنار گذاشته است و دیگر اقبالی به حضور مهندسان سازنده در ساخت‌وساز نشان نمی‌دهد. استفاده از مجری ذی‌صلاح، بسیار مورد بی‌مهری قرار گرفته است؛ گرچه قرار شده شیوه‌نامه پس از اصلاح دوباره به اجر گذاشته‌شود اما همین‌که به رأی دیوان، اجرای کل این قانون از دستور کار حذف می‌شود حاکی از همان همسونبودن ارگان‌های ذخیل در ساخت‌وساز است.

**ک‌ چرا با وجود اینکه سازمان و قانونی برای بهبود وضعیت ساختمان ایجاد کرده‌ایم، باز هم شاهد وضعیت مطلوبی در ساختمان‌ها نیستیم؟**
البته وضعیت نسبت به قبل بسیار بهتر شده اما با آنچه مورد انتظار بوده، فاصله دارد. به نظر می‌رسد قانون‌گذار با تضمین‌کنندگان اجرای قانون در طول تاریخ ۲۰ ساله سازمان نظام مهندسی، توانسته‌اند ضمانت‌ها را درست اجرایی کنند. وقتی یک قانون، مصوب، ابلاغ و لازم‌الاجرا شد؛ دولت باید اجرای آن را تضمین کند. احساس می‌شود پس از ابلاغ، اجرای قانون رها و از مسیر اصلی خارج شده است و اینکه برای بازگرداندن آن به مسیر اصلی، باید

تلاش شود. مثلاً اکنون استفاده‌نکردن از سازنده حرفه‌ای یک رویه شده است تا جایی که برای این کار از دیوان هم رأی می‌گیرند! اگر از ابتدا بنای بی‌توجهی به قوانین گذاشته نمی‌شد و مهندسان بر سر موقعیت خود می‌ماندند، طبیعتاً به اینجا نمی‌رسیدیم که با این حکم دیوان عدالت اداری، شهرداری تهران نام سازنده را غیراجباری تلقی و کلاً از پروانه ساختمان حذف کند. این درد پیشینه ساختمان‌سازی ما در طول تاریخ ۱۲۰سال گذشته است.

**ک‌ چرا فضایی که قانون‌گذار مدنظر داشته به‌وجود نیامده است؟**

اگر منصفانه برخورد کنیم، ساختار مواد قانون و به‌خصوص مقررات ملی ساختمان و مبحث دوم آن، واقعاً پاسخ‌گو نبوده و نتوانسته راهکارهای منطقی و قابل دفاعی را ارائه کند که شاهد اجرای کامل قانون باشیم. به نظر می‌رسد بحث دوم مقررات ملی ساختمان و بیوست‌های آن نیازمند بازنگری هستند. این مسئله‌ای است که وزارت راه و شهرسازی نیز در حال پیگیری آن است تا بشود از این قانون به نحو بهتری استفاده کرد. خبر دارم که تیم‌های کارشناسی روی این بحث کار می‌کنند و چیزی که من شنیده‌ام این است که مقداری در ساختار نظارت و سازنده‌ها تغییراتی ایجاد می‌کنند. مالک سرمایه‌گذاری می‌کند و ناظر، مسئول حراست از آن است. بنابراین می‌گویند از این منظر دیدگاهی در وزارتخانه وجود دارد که تأکید می‌کند ناظر باید پاسدار حقوق مالک باشد و برای بازرسی و کنترل ساخت‌وساز نیز راهکارهای جدیدی در حال طراحی است.

**ک‌ در چارچوب قانون نظارت بوده اما شاهد امضافروشی هم بوده‌ایم.** این مسئله توجه‌پذیر است؟

امضافروشی به معنای ساخته‌شدن یک بنا، خارج از اصول مهندسی است. ساختمان در ظاهر قانونی و اصولی ساخته می‌شود اما در اصل غیراصولی است. نمی‌توان امضافروشی را توجیه کرد. در مقوله نظارت و ساختن ساختمان هم مانند هر حرفه دیگری تخلف وجود دارد که زمینه‌سازی اصلی این موضوع هم ضعف در اجرای قوانین است. مهندسان باید در جایی که قانون‌گذار تعیین کرده با تعهد به حرفه خود و مسئولیتی که به عنوان امانت به آنها سپرده شده، به عنوان امین قانون، کارفرما و مجموعه نظارتی که به آنها اعتماد کرده‌اند، درست عمل کنند. جوی که با امضافروشی تعدادی، حتی اندک، به وجود می‌آید کل جامعه مهندسان را بدنام می‌کند. در همه حرفه‌ها افرادی که به اصول حرفه‌ای پایبند نباشند وجود دارد، در صنف مهندسان هم همین‌طور، این افراد حتی اگر حداقل باشند، خیانت بزرگی به صنف خود و به مردم و قانون می‌کنند. گاه به دلیل حفظ منافعی که در ساختمان‌سازی، با استفاده از مصالح غیراستاندارد یا کم‌گذاشتن در کار برای سازنده ایجاد می‌شود، مهندسان را تطمیع می‌کنند، گاهی نیز خود مهندس تعهد حرفه‌ای خود را زیر پا می‌گذارد و آن‌گونه‌که باید، بر سر کار حاضر نمی‌شود یا اصولی فعالیت نمی‌کند. عدم اجرای کامل قانون نیز بستری برای اجرای این پدیده مهیا کرده است. قانون می‌گوید سازمان نظام مهندسی باید ناظرین را معرفی کند و رابطه مالی ناظر و مالک نیز قطع شود. این مسئله قبلاً در اختیار شهرداری‌ها بوده و نظام مهندسی حق ورود نداشت اما با تلاش‌هایی که انجام شد و طبق استدلال و منطق و با تعامل، حدود سه‌سال و اندی است که ما ناظران را معرفی می‌کنیم. همین که روابط ناظر با مالک حذف شده و نظام مهندسی نیز حق و حقوق را مرحله‌ای و پس از وصول گزارش کار پرداخت می‌کند، باعث شده نظارت بهتری را از مهندسان شاهد باشیم. این گام‌ها برداشته شده و اثرات آن نیز در رصد ساختمان‌ها محسوس است.

**ک‌ حذف مجری ذی‌صلاح چه تأثیری بر وضعیت ساختمان خواهد داشت؛ اصلاً استقبال از این قانون چگونه بود؟**

مجری ذی‌صلاح یا همان سازنده به سه صورت می‌تواند در سازندگی ورود پیدا کند؛ اما اینکه مدیریت پیمان یک طرح را برعهده بگیرد؛ یعنی نیروی انسانی و مصالح را سازنده تهیه کند و شیوه اجرای مهندسی و مصرف مصالح توسط سازنده ذی‌صلاح، تعیین و بسنجی شود و ۱۰ درصد از هزینه ساخت هر متر ساختمان را نیز دریافت کند. مورد دوم این است که مصالح را نیز خود سازنده تأمین کند. یعنی همان چیزی که به‌اصطلاح به پیمانکار معروف است. مورد سوم هم این است که نیروی انسانی بر عهده سازنده و مصالح بر عهده کارفرما و مالک باشد. این سه تیپ قرارداد را داریم که البته هیچ وقت کامل و درستی عملیاتی نشد مگر آن بخش مدیریت پیمان، که می‌توان گفت چندان مؤثر نیست. بهتر است که سازنده، خود تأمین نیروی انسانی و اجرا را برعهده بگیرد. چیزی که باعث شد مجری ذی‌صلاح زیاد در جامعه جا نیفتد استفاده از همین واژه سازنده یا مجری بود. این واژه، مهندس را به عنوان عاملی که به جریان ساخت‌وساز اضافه شده به جامعه معرفی می‌کند. مردم فکر می‌کنند مجری ذی‌صلاح قانونی است که یک مهندس را به عوامل ساخت اضافه می‌کند و فقط هزینه را بالا می‌برد. اما مجری ذی‌صلاح و سازنده حرفه‌ای به مفهوم پیمانکار است. واژه سازنده، جو مناسب و روشنی ایجاد نکرد. مجری ذی‌صلاح کسی است که می‌آید و ساختمان را طبق اصول مهندسی و کارشناسی شده می‌سازد و تحویل می‌دهد.

**ک‌ گاه شاهد استفاده از مصالح دست دوم، مانند آهن و میلگرد دست دوم و حتی آجر دست دوم نیز در ساخت‌وساز هستیم. مصالح مورد تأیید مردم چیست و آیا استاندارد لازم‌الاجرائی وجود دارد؟**

استاندارد مصالح برعهده سازمان استاندارد است. هرکسی در هر بخشی بخواهد کالایی تولید کند باید مجوزهای لازم را از مراکز تحقیقات سازمان استاندارد دریافت کند. وقتی علامت استاندارد روی مصالح قید شود، مشخص می‌شود این مصالح مسیر استاندارد را طی کرده و از این به بعد نیز تخلف در این بخش از مصالح، برعهده سازمان استاندارد است.

ادامه از صفحه ۵

بازار

#### خیز دوباره دلار

| ارز +       | قیمت(تومان) | تغییر          |
|-------------|-------------|----------------|
| دلار آمریکا | ۳۴۲۲۴       | <span>↑</span> |
| یورو        | ۳۸۲۰۰       | <span>↓</span> |
| پوند        | ۵۲۱۵        | <span>↓</span> |
| درهم        | ۹۲۲         | <span>↓</span> |

| طلو سکه +     | قیمت   | تغییر          |
|---------------|--------|----------------|
| طرح جدید      | ۹۲۰۵۰۰ | <span>↑</span> |
| طرح قدیم      | ۹۱۹۰۰۰ | <span>↑</span> |
| نیم           | ۴۶۸۰۰۰ | <span>↑</span> |
| ربع           | ۲۵۸۰۰۰ | <span>↑</span> |
| گرمی          | ۱۷۰۰۰۰ | <span>↑</span> |
| گرم ۱۸ عیار   | ۹۳۹۶۰  | <span>↑</span> |
| اونس + (دلار) | ۱۱۴۶   | <span>↑</span> |

● **شرق:** بازارهای دیروز همسو با یکدیگر، صعودی شدند البته جو بازارها متفاوت است و دلار خریدار بیشتری دارد و شاید همین عامل هم برخلاف میل بانک مرکزی، دلار را بالای سه‌هزارو ۴۰۰ تومان میخوب کرده است. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: اول صبح روز شنبه دلار با قیمت سه‌هزارو ۴۰۲ تومان معامله شد. این نرخ پایین‌ترین قیمت این ارز عمده محسوب می‌شود. دلار در ادامه معاملات، روند صعودی را برگزید و تا سه‌هزارو ۲۲۵ تومان هم پیش رفت و در آخر وقت بازار هم با یک تومان کمتر بر سه‌هزارو ۲۲۴ تومان ایستاد. عوامل بانکی هم دلار را سه‌هزارو ۲۸۴ تومان اعلام کردند تا همچنان یافشاری خود را بر قیمتی زیر سه‌هزارو ۴۰۰ تومان نشان دهند. آخرین قیمت هر اونس طلا هم هزارو ۱۴۶ دلار ثبت شد و بازارهای جهانی با همین نرخ به تعطیلات رفتند. افزایش قیمت اونس جهانی طلا در کنار خیز قیمتی دلار، سکه طرح جدید را نسبت به روز پنجشنبه ۵۰۰ هزارو ۵۰۰ تومان گران کرد. این افزایش قیمت با حباب منفی سکه همراه شده. سکه طرح جدید در روز چهارشنبه حدود ۱۰هزار تومان حباب مثبت داشت که دیروز به سه هزار تومان حباب منفی تبدیل شد.

#### بازگشت بورس به خط قرمز

| عنوان شاخص        | مقدار   | تغییر   |
|-------------------|---------|---------|
| کل                | ۶۱۵۳۰،۹ | ۱۵۵۰۸-  |
| شاخص قیمت         | ۲۴۱۰۳   | ۶۰۸۰۹-  |
| شاخص کل (هموزن)   | ۹۵۷۷۴   | ۸۳۰-    |
| شاخص قیمت (هموزن) | ۸۱۷۱،۸  | ۷۱۰-    |
| آرژاد شاوور       | ۶۸۲۳۳،۸ | ۲۸۴۶،۳- |
| ۵۰ شرکت بزرگ      | ۲۵۰۹،۶  | ۷۲۰-    |

● **شرق:** شاخص بورس تهران در اولین روز معاملاتی، به روند نزولی خود برگشت و در کانال منفی ادامه مسیر داد. اوضاع بورس تهران در اولین روزهای مهرماه اندکی بهبود یافته بود، اما تالار شیشه‌ای از مسائل عمیق‌تری مانند نرخ سود بانکی، کاهش قیمت‌های جهانی، نرخ خوراک ۱۳ سنتی پتروشیمی‌ها، کمبود نقدینگی و رکود اقتصادی رنج می‌برد. به‌این‌ترتیب ادامه ابهام‌های اقتصادی موجب شده است شاخص بورس تهران در اولین روز معاملاتی هفته، ریزش ۱۵۵ واحدی را تجربه کرده و به نیمه ۶۵ هزار واحد بازگردد. در بازار دیروز نیز شرکت‌های مطرح بازار، روند منفی به خود گرفتند به‌طوری‌که بالااشگاه بندرعباس، ایران خودرو، بانک ملت، تاییکو، پتروشیمی جم و مبین به‌همراه بانک صادرات و پاسارگاد از شرکت‌های تأثیرگذار در افت شاخص بورس بودند. در مقابل شرکت‌هایی مانند نفت و گاز پارسیان و غیردو شرکتی بودند که با رشد خود مانع از ریزش بیشتر بورس شدند. در بازار اولین روز هفته نیز شرکت‌های قدری مانند قند اصفهان، قند قزوین و کارخانجات شهید قندی با افزایش تقاضا مواجه شدند و بیشترین تقاضای خرید را به خود اختصاص دادند؛ در این میان شرکت‌های فولاد خراسان، تولیدی بهسرما و فولاد خوزستان بیشترین تقاضای فروش را به خود اختصاص دادند. در بازار کرم‌قرمز دیروز، ارزش و حجم معاملات نیز به‌شدت افت کرد و درمجموع ۲۴۹ میلیون سهم به ارزش ۴۳ میلیارد تومان دادوستد شد و ارزش بازار سرمایه به سطح ۲۶۳ هزار میلیارد تومان نزول کرد.

خبر

## بانک مرکزی: وجوه بلوکه‌شده تاژانویه آزادمی‌شوند

● **ایرنا:** پایگاه خبری بلومبرگ به نقل از معاون ارزی بانک مرکزی ایران اعلام کرد: ما به توجّه به توافق ماه جولای (تیب) ایران و قدرت‌های جهانی در ویسن، حدود ۲۹ میلیارد دلار از وجوه بلوکه‌شده این کشور در ژانویه ۲۰۱۶ (دی‌ماه) آزاد می‌شود و به این بانک برمی‌گردد. غلامعلی کامیاب در حاشیه یک کنفرانس سرمایه‌گذاری در ژنو در گفت‌وگو با بلومبرگ، اظهار کرد: زمان آزادشدن این وجوه حول‌وحوش ماه ژانویه است. کنفرانس سرمایه‌گذاری ژنو، نخستین کنفرانسی است که پس از تصویب شدن توافق هسته‌ای ایران توسط کنگره آمریکا برگزار می‌شود. آزادشدن این وجوه به کانون اصلی انتقاد مخالفان توافق هسته‌ای ایران در آمریکا تبدیل شده است.